

ستاره سنج

تفرقه افکنی و توطئه‌ی جدید کمیته مرکزی حزب توده

ورق پاره مردم ارگان داورده شده خائن‌روزیونیست
کمیته مرکزی "در شماره ۱۱۸ خود به پایه سرائسی
در باره مارکسیست - لنینیستهای ایران پرداخته و بسا
کمال وقاحت پاتها اتهام "همکاری با امپریالیسم و
رژیم دیکتاتوری شاه" را میزند. این مرتدان طبقه
کارگر و خلقهای ایران همواره برای یوشاندن خیانت -
های خود متوسل بحطه به مارکسیست - لنینیستها
و انقلابیون راستین شده اند و خواسته اند زیر
پرده ای از شایعه پراکنی و واقعات را بیخوانند.
برای اینکه حقیقت بیشتر معلوم گردد بیک مقایسه
کوتاه دست می زنیم.

مارکسیست - لنینیستهای ایران با یافتاری بر روی
واقعات مبارزه طبقاتی و ملی و با تبعیت از موضع
نقطه نظر و سبک مارکسیستی - لنینیستی ماهیت
تجاوز کار و غارت‌گر و استثمار‌گر امپریالیسم و سوسیال -
امپریالیسم و همچنین ماهیت استثمار‌گر طبقات مرتجع
حاکم بنمایندگی رژیم ضد خلقی - ضد دموکراتیک و
وابسته محمد رضا شاه را بدستی تشخیص داده پس
شناخت درست از دوستان و دشمنان انقلاب بسیار
قاطع علیه دشمنان پرداخته اند.

مارکسیست - لنینیستها برای سرنگون کردن طبقات
مرتجع حاکم و رژیم محمد رضا شاه و بیرون راندن امپری -
الیسم و سوسیال امپریالیسم از مین ما پرکاری
جمهوری دموکراتیک خلق و انجام انقلاب سوسیالیستی

برای روشن ترشدن مقایسه ای که آورده ایم نمونه هایی
مشخص از مواضع و اعمال ضد انقلابی این داورده شده
را توضیح میدیم تا بیشتر معلوم شود همکاران طبقات مرتجع
رژیم امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم چه کسانی هستند
در طرح برنامه حزب توده ایران "دهها بار
"اصلاحات" رژیم را بصورت مثبت مورد پشتیبانی
قرار داده و بر سر اقدامات رژیم مانند هر اپوزیسیون
وفا دار بر سر کم و کیف این اقدامات و "ضد شوروی"
و "ضد حزب توده" بودن بعضی برنامه ها و سیاستها
رژیم چانه می زنند. اسکندری در همین کنگره
حزب ریزیونیست بلغارستان در مورد اقدامات باصلاح
اصلاحی رژیم محمد رضا شاه در کشور ما اعلام کرد که
"حزب توده" ... از اقدامات ترقیخواهانه بمنظور
از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و نیز اقداماتی
که در جهت صنعتی کردن و مدرنیته کردن کشور
میشود پشتیبانی می کند ... (۱) و با این موضع
پشتیبانی و "ترقیخواهانه" نامیدن اقدامات رژیم
وابسته با امپریالیسم "انتقاداتی" نیز مطرح می نماید
که " ... هنوز شرکت تعاونی تولید بمفهوم واقعی
این گمجه وجود ندارد. " (۲) آنها برای اینکه
"ظاهر انقلابی" برای خود حفظ کنند از حمل
"بنیادی مسئله ارضی" صحبت میکنند، لیکن در
مقابل طریقه انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی حل
مسئله ارضی یعنی انقلاب مسلحانه دهقانی و حل
مسئله زمین توسط خود دهقانان، اقدامات باصلاح
اصلاحی رژیم را "مترقی" نامیده و از آن پشتیبانی
مینمایند و با طرح اینکه "شرایط عینی" برای انقلاب آماده
نیست، برای "حل بنیادی" تضادهای جامعه ما
"پشتیبانی واحد هائی از ارتشهای رژیم های ارتجاعی
از جنبش انقلابی" و اینکه این واحد های ارتش
ارتجاعی " ... در لحظاتی حتما به عامل تعیین
کننده برای پیروزی جنبش نجات بخش ملی مبدل میگردد
را مطرح میکنند و برای اثبات این حکم نمونه برتغال را
می زنند که جناحی از هیئت حاکمه در راس ارتش
قدرت حاکمه را در دست گرفته اند. در حالیکه
آموزش های اساسی مارکسیسم از ارتش ارتجاعی بمثابة
مهمترین وسیله اعمال قدرت دولت ارتجاعی سخن
بقیه در صفحه دوم

شاه عامل امپریالیسم

در سه سال اخیر بحران شدیدی سیستم
سرمایه داری جهانی را در بر گرفته و انحصارات
غارتگر بین المللی و دول امپریالیستی غرب را بسا
مشکلات عدیده ای روبرو ساخته است. شدت و عمومیت
این بحران تا حدیست که خطر رسیدن آن تا سطح
سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۳۲ پیش بینی میشود.
این بحران که ناشی از تضادهای اجتناب ناپذیر
درون سیستم سرمایه داریست تمام شئون اقتصاد امپریا -
لیستی را در بر گرفته است و "بحران انرژی" تنها در
تشدید و تسریع آن موثر بوده است.
این بحران موقتی نیست و تا مدتی همچنان ادامه
و تشدید خواهد یافت. مربوط به چند کشور بزرگ
امپریالیستی مانند ایالات متحده، آلمان فدرال، ژاپن
انگستان، فرانسه و ایتالیا نمیشود بلکه این بار حتی
کشورهای کوچک امپریالیستی نظیر سوئیس، دانمارک و
فنلاند را نیز در بر گرفته است، کشورهای که مدتها
بعنوان نمونه ثبات اقتصادی معرفی میشدند و ثور -
پسین های جهان سرمایه داری وقوع بحرانی در این
کشورها را ناممکن میدانند. این خصوصیات که
وسعت و عمق بحران کنونی را نشان میدهند باعث
تشدید تضادهای درونی کشورهای امپریالیستی گردیده اند.
امپریالیستهای مختلف جهانی که شعله های این
بحران سیستم استثمارگرانه آنها را میسوزاند با لطایف الحیل
مختلف تلاش دارند تا از طریق تشدید استثمار خلق
های جهان، غارت منابع ثروت کشورهای جهان سوم،
تشدید ستم و استثمار طبقه کارگر و اعمال فشار اقتصادی
شدید بر توده های زحمتکش در کشورهای خود، سنگینی
این بحران را بر کرده طبقه کارگر و خلقهای جهان
سوم تحمل نمایند تا مگر از این طریق راه نجاتی برای
بیرون آمدن از این بحران پیدا نمایند ولی با تمام
این تلاشها تضادهای درونی سیستم امپریالیستی هر روز
جدت بیشتری خواهد یافت و امپریالیستها با هر تجاوز
و اقدام غارتگرانه ای طبانی دیگر بر گردن خود خواهند
انداخت.

برای درک مشکلات عظیمی که در نتیجه بحران کنونی
در برابر سیستم پوسیده امپریالیستی قرار دارد، بسه
خصلت مهم بحران سالهای اخیر اشاره میکنیم:
الف - پائین آمدن آهنگ رشد تولید در سالهای
بعده از ۷۰ نسبت بسالهای بعد از ۶۰ در کل کشور -
های امپریالیستی.
بعنوان نمونه آهنگ رشد تولید صنعتی امریکا در
فاصله ۷۰ - ۷۳ نسبت بسالهای ۶۱ - ۶۵، ۷۰٪ / ۳٪
کاهش یافته است. این کاهشها نسبتهای مختلف در
مورد سایر کشورهای امپریالیستی صادق است. حرکت
وضع بحرانی تا حدی سریع است که حتی این گرایش در
اختلاف آهنگ رشد بین سال ۷۳ و سال ۷۴ نیز
دیده میشود. در ایالات متحده در شش ماه اول سال
۷۴ نسبت به شش ماه اول سال ۷۳، تولید ماشین
آلات بین ۴ تا ۵٪، تولید هواپیما ۳/۸٪ و تولید
فولاد ۵٪ پائین آمده است. بالاخره در نتیجه آثار
شیسم موجود در سیستم سرمایه داری، کاهش آهنگ
تولید همراه با کار نکردن موسسات تولیدی در سطح
ظرفیت کامل خود بوده است. در شرایط فعلی کشور -

زنده باد جمهوری توده ای چین

ایجاد جمهوری توده ای چین در اکتبر سال
۱۹۴۹ نقطه عطفی است در حیات چندین هزار ساله
خلق چین و بزرگترین رویداد تاریخیست، بعد از انقلاب
کبیر سوسیالیستی اکتبر، در عصر حاضر.
۲۵ سال پیش خلق چین بعد از یک قرن مبارزه
علیه امپریالیسم علیه مالکان ارضی و دیگر خونخواران
محلی و بعد از ۲۸ سال مبارزه انقلابی قهرمانانه
تحت هدایت و رهبری حزب کمونیست چین و در راس آن
رفیق مائوتسه دون ظلمت قرن ها اسارت و فقر را به
ما قبل تاریخش سپرد و ساختمان چین نوینی را آقا ز
کرد. پیروزی انقلاب در چین راه آزادی برای میلیون
ها انسان ستمدیده و استثمارزده دیگر را در آسیا
در آفریقا و امریکا لاتین نیز در عمل نشان داد.
رفیق مائوتسه دون میگوید: "خلق چین همیشه
انقلاب چین را ادامه انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکتبر دانسته و به آن افتخار است." و "اما انقلاب
اکتبر اساسا راه مشترک درخشان تکامل تمام
بشریت است."
پیروزی پرولتاریای روسیه در انقلاب کبیر اکتبر مرحله
نوینی را در تاریخ بشریت آغاز کرد و لنینیسم بمثابة
مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری تثبیت شد.
این رویداد بزرگ - ایجاد اولین کشور سوسیالیستی -
همچنین صفتی بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی
را در سطح بین المللی بطور ریشه ای دگرگون نمود و
"انقلاب اکتبر در برابر خلقهای جهان امکانات وسیع
و راههای موثری برای آزادی خود قرار داد و جنبه
نوینی از انقلابها بوجود آورد که از پرولتاریای غرب تا

استقرار جمهوری دموکراتیک خلق خواست مردم ما است

بقیه شاه عامل امپریالیسم

استکه رژیم وابسته و ضد خلقی شاه به خوشخدمتی سنتی خود نسبت به اربابان امپریالیست و در درجه اول امپریالیسم آمریکا ادامه میدهد، خوشخدمتی ای که هدف آن بر باد دادن ثروت ملی ما بخاطر تلاش در تخفیف بحران جهان سرمایه دارست، ولی این بحران ناشی از خلعت سیستم سرمایه داری بوده و زخمهای ناشی از آن بحدی عمیقند که بامرهمای محمد رضا شاه مداوا نخواهند شد.

رژیم شاه خائن علیفرم تبلیغات پوچ خود در مورد بااصطلاح استقلال خواهی، میهن ما را عمدتاً به اقتصاد نفت وابسته نموده است، نه تنها در بودجه کل کشور، بلکه در برنامه ی پنجم اقتصادی هم منبع عده ی مالی را درآمد نفت تشکیل میدهد. با این سیاست در اوضاع کنونی، بیش از پیش وابستگی کشور ما به انحصارات امپریالیستی بیشتر میگردد و با تمام هیاهوهای تبلیغاتی رژیم، اقدامات او بطور مستقیم و غیر مستقیم منافع این انحصارات غارتگر را تامین میکند.

افزایش درآمد نفت در یکسال اخیر که میبایست بنا بادعای رژیم وضع در هم اقتصاد کشور را بهبود بخشد و آنرا در "شاهراه" ترقی و پیشرفت سوق دهد در واقع وسیله و ابزار دیگری در دست رژیم است تا از طرفی پشتگاهی مطمئن تر برای سیستم در هم ریزنده ی امپریالیسم جهانی بوجود آورد و از طرف دیگر فیه تر شدن بخشی از طبقات حاکم را باعث گردد.

تنها در یکسال گذشته از طریق افزایش قیمت نفت بیش از ۸ میلیارد دلار به صندوق محمد رضا شاه ریخته شده است که قسمت اعظم آن باشکال مختلف دوباره به جیب امپریالیستهای جهانی و خصوصاً امپریالیسم آمریکا بازگردانده شده و اقتصاد کشور را راحتی بیش از گذشته در خدمت امپریالیستها در آورده است. برای مقابله با خطرات ناشی از افزایش قیمت نفت تقویرسین های سیستم امپریالیستی نقشه های وسیع طرح نموده اند و از "بگردش انداختن دوباره ی دلارهای نفتی در کشور های امپریالیستی صحبت می کنند. شاه خائن پیشقراول اجرای این سیاست امپریالیستی در سطح جهانی است و در حرف و در عمل گوی سبقت را از همگان خود ربوده است.

در مورد تقویرسین و دستنی ثروتهای ملی و درآمد نفتی ایران به کشورهای امپریالیستی جهت کاهش شدن بحران درونی آنها، شاه در نطق ۱۹ مرداد خود در رامسر بصورت علنی اقرار میکند: "ما خوب میدانیم که موقعی میتوانیم خوب زندگی کنیم که (منظور ادامه ی زندگی خیانت بار رژیم ایشان است) دنیائی وجود داشته باشد (بخوانید دنیای امپریالیستی) اگر دنیای تمدنی که ما امروز میشناسیم یک روزی بعملل مختلف از بین برود و یا منقرض شود (علیحضرت خیلی از انقلاب اجتماعی هراس دارند)! که یکی از آنها ورشکستگی اقتصادی و یا فقر باشد هیچکس جان سالم از آن بدر نخواهد برد (منظور از "هیچکس" هیچ استثمارگر و رژیم وابسته ای مانند رژیم ایشان است) وقتی که ما من بینیم صلحت ایران (بخوانید صلحت رژیم شاه) بسهم خود شیش از هر (کشور) در حال رشد یا آنهاست که زیاد ثروت ندارند، و یا حتی بمالک خیلی پیشرفته ولی گرفتار (منظور گرفتار بحران) اگرما کمک نکنیم، ممکن است که یک وضعیت بدی پیش آید (بخوانید وضعیت انقلابی) . برای یک نوع بیمه در مقابل احتمالات بین المللی، ما سیاست کمک بمالک خارج را در پیش گرفتیم و این کمک ما بر دو نوع است یکسی دوستان خودمان که احتیاج دارند (لابد منظورشان دوستانی مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل است که ۱/۳ احتیاجات نفتی آن از جانب رژیم شاه تامین میگردد) دیگر مالک صنعتی (منظور اربابان امپریالیست شان است) که اگر مضحل و منفجر شوند دودش مسلماً بچشم ما و سایرین خواهد رفت و . . . " (تا مقوضیحا داخل پراتنژاز ستاره سرخ است) .

این حرف شاه خائن بود . در عمل ایشان رك تر هستند و با وقاحت بیشتری در تضمین منافع امپریالیستها اقدام میکنند ! به اقدامات مشعشانه ی ایشان در بازگرداندن افزایش درآمد نفت به جیب امپریالیستها مختصراً برخورد نمائیم :

بخش مهمی از این افزایش درآمد از طریق " سرمایه گذاری " دادن وام و اعتبار " مستقیماً بکشور های امپریالیستی برگردانده شده است . قراردادهای

۵/۵ میلیارد دلاری با آلمان ۵ میلیارد دلاری با فرانسه و ایتالیا و قراردادهای چند صد میلیونی دلاری با دیگر کشورهای امپریالیستی اروپائی و ژاپنی و نیز وامها و اعتبارات يك میلیارد دلاری به انگلیس و ایتالیا از این نوعند .

این قراردادها کوششهای "جدانه" و همه جانبه رژیم را در پیاده نمودن نظریه ی "بگردش انداختن دوباره دلارهای نفتی" نشان میدهد . با سرا زیر شدن درآمد نفتی ما به کشورهای امپریالیستی رژیم شاه از چند جانبه خلقهای میهن ما خیانت ورزیده و به چند طریق به یاری امپریالیستهای در گل مانده میشتابد . از نظر اقتصادی با این قراردادها ، دو جانبه با امپریالیستها خدصت میکند . از طرفی درآمد ملی ما را برای تخفیف مشکلات مالی و ارزی امپریالیستها تقویرم آنان میکند و از سوی دیگر با اعمال سیاست در راه های باز راه را برای سرازیر شدن بیشتر کالاها و سرمایه های امپریالیستی به کشور ما و در نتیجه غارت منابع آن باز میگردد و از این طریق امپریالیستها هم از تیره و هم از آخور میخورند . سیاست خائنه در های بازگاز طریق ایجاد انواع و اقسام تسهیلات گمرکی و مالیاتی، راه را برای هجوم کالا های امپریالیستها به کشور ما باز میگردد، نه تنها سودهای عظیمی به جیب امپریالیستهای مختلف روانه میکند بلکه اقتصاد ملی و صنایع داخلی ما را با بحران و ورشکستگی روبرو نموده و روز بروز کسری موازنه ی تجاری کشور را افزایش داده و بخاطر تامین منافع هیئت حاکمه ی خود فروخته و امپریالیستهای طماع، کشور ما را باز هم بیشتر در پرتگاه ورشکستگی کامل اقتصادی میکشاند . تنها در ۸ ماه اول سال ۱۳۵۳ واردات ایران به ۴ میلیون و ۹۱۵ هزار تن به ارزش ۱۶ میلیارد و ۲۷۱ میلیون تومان بالغ گردید . در همین مدت صادرات کشور (بجز نفت) به يك میلیون و ۴۸۲ هزار تن به ارزش ۲ میلیارد و ۵۸۱ میلیون تومان رسید . بنا بر این کسری موازنه ی تجاری ایران بدون احتساب مواد نفتی به رقم ۱۳ میلیارد و ۶۹۰ میلیون تومان در ۸ ماه اول سال ۵۲ بالغ گردید و میزان واردات ۸ برابر صادرات بالغ گردید این فاصله در سال اخیر نیز افزایش یافته و با توسعه و تکامل " سیاست در های باز بیشتر از این هم بالا خواهد رفت .

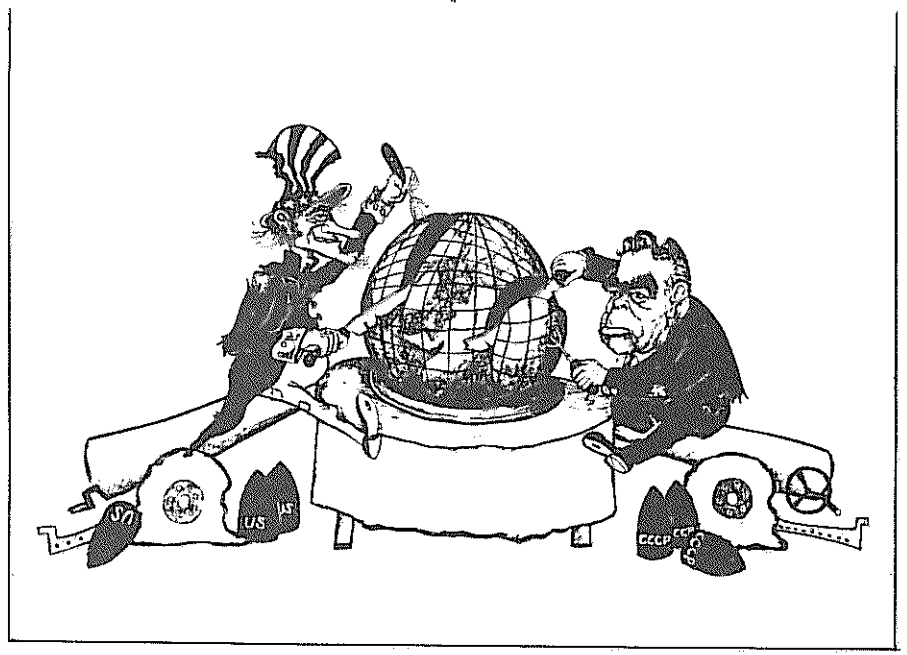
از نظر سیاسی، نزرژیم با این خیانت دو جانبه در عرصه ملی اقتصاد و تمام شعبون زندگی کشور ما را با قفل و لولای دو جانبه به سیستم غارتگر امپریالیسم جهانی وابسته تر گردانده و در عرصه ی بین المللی علاوه بر تلاش در بهبود لحظه ای اقتصاد ورشکسته ی امپریالیستهای اروپائی یا ریختن دلارهای امریکائی به بازار اروپا / تمام پول نفت به دلار پرداخت میشود (در واقع از نظر استریم تزیک خدمت مهمی به بزرگ ارباب خود امپریالیسم آمریکا میکند زیرا که در چند سال اخیر امپریالیستهای اروپائی کوشش نموده اند بصورت یک قدرت واحد در برابر هژمونی دلار در بازار پولی جهان قد علم کنند و چندین بار بااعت پایین آمدن ارزش آن گشته و در عمل حاکمیت آنرا از بین برده اند . در بحران کنونی یکی از مشکلات تورم پولی برای امپریالیستهای اروپائی، حل چگونگی تبدیل مقادیر معتناسبی دلار امریکائی است که در بقیه در صفحه سوم

بقیه کمیته مرکزی . . .

میگویند و این اصل با مسئله وجود عناصر مترقی در درون ارتش ماهیتاً فرق دارد . در برنامه "صنعتی کردن" کشور توسط رژیم وابسته محمد رضا شاهی آن بخش از اقدامات وی را مبنی بر اینکه "با کمک کشورهای سوسیالیستی (منظور کشورهای بلوک شوروی) برای ایجاد برخی موسسات صنایع سنگین" درست دانسته و آنرا در جهت خواست مردم میدانند . در اینجا وارد بحث نمونیم ها ئی مانند هندوستان که بروشنی نشان میدهد چگونه سوسیال امپریالیسم با کنترل بخش دولتی صنایع این کشور بفشارت و جیپاول و اعمال نفوذ در آن پرداخته نمیشود . شمارهای آنان نیز بعلمت آنکه از یک طرف بعنوان کارگزار سوسیال امپریالیسم علیه سلطه امپریالیستی بر میهن ما نیستند و از طرف دیگر بعلمت ماهیت ضد انقلابی خود علیه حکومت طبقات مترجم و استثمارگر نی باشند ، گرچه در شکل مختلفی نمایانند لیکن در ماهیت و اساس یکی است . آنها میگویند شعار ما در شرایط کنونی مبارزه برای احراز آزادیهای دگرام تیکلمتد رج در قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر است " (۴) و آنرا در طرح برنامه شان مطرح کرده و بازمی نمایند و در بخش وظایف صرم ما در شرایط کنونی " باصطلاح تلفیق میدهند . این بخشی است که اساساً نه به نظام موجود ونه به رژیم پهلوی بر خوروی نداشته و تاکید و کوشش برای قانونی شدن حزب توده ، شرکت در فعالیتهای " انتخاباتی " و بدست آوردن وکالت و وزارت است . آنگه گاهی هم که با جارو جنجال از " سرنگونی " صحبت می کنند اساساً با نظام موجود و سلطه امپریالیستی بر میهن ما بر خوروی ندارند و دو هدف فاجانشین کردن محمد رضا شاه با عامل وابسته دیگری منتهی اینبار بشوروی و سلطه سوسیال امپریالیسم شوروی بر میهن ما را دنبال میکنند و می خواهند در جنبش انقلابی تفرقه انداخته و در آن اختلال کنند . آنها محتوی این شعار و مقاصد آنرا در بر خورده به مبارزه قهرآمیز بصورت " آنچه ما میگوئیم اینستکه در لحظه کنونی این شرایط / مبارزه قهرآمیز (آماده نیست و پیشگویی اینکه چه وقت چنین شرایطی آماده شود ، بنا درست است " (۵) و " اوضاع جهانی " چنان است که " با استفاده از آن نیروهای دگرامتیک میتوان رژیم اجتماعی کنونی را بر کنار سازند و بجای آن یک دولت دگرامتیک ملی بروی کار آورند " (۶) نمایان میکنند . حال با در نظر گرفتن حرفهای دگرشان یعنی وجود جناح های مخالف در هیئت حاکمه و اینکه " میتوانند " در این یا آن مسئله مشخص نقش ایفا کنند " و پشتیبانسی این حضرات از " هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد " و همچنین اقداماتی نظیر برنامه مشترک با بختیار جلال معلوم میشود که ماهیت این شعارشان یعنی " سرنگون کردن رژیم " چیست و جقدر در ماهیت با دیگری فرق دارد . اینها بروشنی نشان میدهند که اختلاف آنها با طبقات حاکمه و امپریالیسم از فاش همان اختلافاتی است که بین محمد رضا شاه و بختیار و امپریالیسم با سوسیال امپریالیسم میباشد . بر خورود این دارو دسته خائن به جنبش دانشجویی

خارج کشور و کفدراسیون نیز نمونه ی دیگری از ضدیت آنها با مبارزات بحق طبقات و اقتدار خلقی کشور ما علیه امپریالیسم و رژیم محمد رضا شاه و همدستی آنها با امپریالیسم و رژیم است . هنگامیکه کلیه تلاشهای آنها برای منحرف ساختن جنبش دانشجویی خارج نقش بر آب گردید گفتند که " . . . این کفدراسیون را نمیتوان و نباید حفظ کرد ، زیرا حفظ این کفدراسیون فقط بضعف دشمن است . " (۷) و بدینسان مواضع مترجمانه و ضد انقلابی خود را در قبال جنبش دانشجویی بطور روشن نشان دادند . ما شاهد همدستی این دارو دسته رویزیونیست با رژیم محمد رضا شاه در موارد متعدد دیگری منجمله در مورد مبارزه و ایستادگی قهرمانانه روشنفکران انقلابی که دست باسلحه برده اند بوده ایم . مارکسیست - لنینیستها همراهِ سایر نیروهای مترقی و دگرامتیک با فاش سیاست خیانت ها و تلاشهای این منت ضد انقلابی دست زده اند و از دست آورد های جنبش توده های مردم و مبارزات انقلابی و دگرامتیک آنها دفاع نموده اند . اکنون نیز با تشدید رقابت و ابر قدرت امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بر سرخواورمیانه و خلیج فارس کمیته مرکزی بعنوان کارگزار سوسیال امپریالیسم بر مبنای پلاتفرم تکیه بر شوروی و حمله به مارکسیست - لنینیستها بمیدان آورده است . منتهی همچنانکه ماهیت چنین پلاتفرمی ایجاب میکند نه برای اینکه خلقهای میهن ما از قید سلطه شوم امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد خلقی و ضد دگرامتیک محمد رضا شاه کنه پانده کبرادورها و سرمایه داران بوروکرات و مالکین ارضی است نجات یابند ، بلکه بدان خاطر که جای امپریالیسم آمریکا را سوسیال امپریالیسم شوروی بگیرد و جای محمد رضا شاه را اسکندری بدین ترتیب آنها بی شرمانه با علم چرکین و سیاه انقیاد ملی یعنی بزیر سلطه امپریالیسم مانند میهن ما ، به فتنه گری ، توطنه و تفرقه پرداخته اند . این بار این روسیای سیاسی میخواهند با ایفای نقش یک اپورتونیست " صادق " خیانت های خود را بپوشانند و خود را زیر پوشش " سرنگونی رژیم " برنگ دیگری در آورند و از طریق پیام و پیدا کردن جریان مثبت در جنبش دگرامتیک تلاش میکنند در میان نیروهای مبارز روززنده دگرامتیک و انقلابی چند صبرای خود برسند . آنها که در سال پیش با کمال بیشرمی اعلام کردند " حفظ این کفدراسیون فقط بضعف دشمن است " بخاطر اجرای همین خیالات واهی خود در ورق پیاره ارگان خود نتیجه گیری میکنند که با انشعاب کفدراسیون میتوان " اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دگرامتیک را تحقق بخشید " . (۸) تجربه ده ساله مبارزه علیه رویزیونیستهای کمیته مرکزی نشان داده است که آنها در چنین کاری موفقیتی نمیشوند . مارکسیست - لنینیستها و نیروهای مترقی و دگرامتیک توانسته اند در مبارزه ای وسیع رویزیونیستهای کمیته مرکزی را افشا و طرد نموده و منفرد سازند .

گرچه مشت ناچیزی از عناصر تلاش کردند از طریق اختلال در مبارزه علیه رویزیونیستهای کمیته مرکزی آنها خدمت کنند لیکن مارکسیست - لنینیستها همچنان در مبارزه خود علیه امپریالیسم و رژیم وابسته ضد خلقی و ضد دگرامتیک محمد رضا شاه به افشای رویزیونیستهای کمیته مرکزی ادامه دادند . اکنون کدر جنبش دگرامتیک خارج اختلاف نظرهای موجود آمده کمیته مرکزی برای تفرقه در جنبش با اصطلاح پشتیبانی از این نظریه از آن نظر رتلاش شد بد اختلافات درون جنبش دگرامتیک میکوشد . باید اولا قاطعانه روشن کرد که مسایل درونی جنبش دگرامتیک و ضد امپریالیستی ما بضع انقلابیون کمیته مرکزی مربوط نیست و اصولاً ضد خلق همواره میکوشد برای تخریب در جنبش از اختلافات درونی آن بهره گیرد بهمین جهت است که این ضد انقلابیون مطرود پاره های کفدراسیون دانشجویان ایرانی و رهبری آن برجسب " ارتجاعی " زده اند و اکنون برای نفوذ و تخریب تلاش مذبححانه برای سوء استفاده از اختلاف نظرات درون خلقی در جنبش دانشجویی مینمایند . ثانیاً با تحکیم صفوف جنبش دگرامتیک و افشای چند عنصر خرابکار که سالیان دراز با ایجاد مرتب تفرقه و پراکندگی در صفوف جنبش بمبارزه ضد رژیم لطمه زده و عملاً به کمیته مرکزی خدمت کرده اند ، مبارزه ای متحد و رزمنده علیه رژیم ضد خلقی و ضد دگرامتیک و وابسته با امپریالیسم محمد رضا شاه ، امپریالیسم آمریکا و هم - جنبش سوسیال - امپریالیسم و کمیته مرکزی راه پیش بریم .



مبارزه علیه رویزیونیستهای کمیته مرکزی را تا با خرم متحدانه پیش ببریم

ستاره سرخ و خوانندگان

خواننده مبارزی طی نامه مفصل و آموزنده‌ای خبر یک مبارزه دانشجویی و قسمت‌هایی از زندگی زحمتکشان در ایران را برایشان فرستاده که در ذیل می‌آوریم:

"در اواخر خرداد ۵۳ در دانشگاه پهلوی شیستر از اعتصابی بمنظور اعتراض با تخریب روی داد و دانش آن آنقدر بالا گرفت که تعداد نزدیک به ۱۰۰۰ دانشجویان به تالار دانشگاه پهلوی هجوم برده، مجسمه شاه و تابلوگران قیمتی از فرج پهلوی (بازش نزدیک به دو میلیون و پانصد هزار تومان) را در اثر هجوم تکه تکه کرده و از بین می‌برند و از روز بعد شکار دانشجویان معترض بوسیله مأمورین ساواک شروع شده و حتی دانشجویان را از سالن اجتماعات عمومی نظیر سینما بیرون کشیده و بزدان می‌بردند. در این شکار بزرگ ۵۰۰ تا ۷۰۰ دانشجو دستگیر شده و تمام دانشجویان معترض در آن ماده امتحانی و سایر دانشجویان رشته‌های دیگر برای یکسال از درس محروم و تعدادی برای همیشه از تحصیل محروم و عده‌ای هم به حبس‌های طولانی محکوم شدند. این خبر نه تنها در شیراز بلکه در تمام استان فارسین مردم پخش شد. اما در نشریه‌های خرداد و تیر ماه سال ۵۳ "ستاره سرخ" هیچ تذکری در این مورد نشده بود. چرا؟"

"ستاره سرخ - دست مبارز فشارواختن قیاس و سانسور شدیدی حاکم در ایران باعث می‌گردد تا سازمان سیاسی خارج از کشور تنها بخشی از اخبار مبارزات سیاسی داخل را دریافت نمایند و بخش قابل توجه دیگری از این مبارزات هیچگونه انعکاسی در خارج از کشور نداشته باشند. بهر حال کوشش تو در مطلع نمودن "ستاره سرخ" از مبارزات درون کشور نمونه خوبی است برای کلیه خوانندگان ما و در این مورد از تو کمال تشکر را داریم. در قسمت دیگری از نامه این دست مبارز همچنین می‌خوانیم:

"در شرایط فعلی اکثریت توده مردم کشاورز، کارگر و سایر طبقاتی بی‌روش شد مردمی شاه برداند و فشار اقتصادی و فقر را بر روی شانه‌های خود حس می‌کنند. اینجانب بخاطر موقعیت خاصی که دارم اکثراً با مردم و بخصوص بیشتر با کشاورزان نقاط مختلف کشور در تماس هستم. من زارعی را در فصل زمستان دیده‌ام که در حالیکه از شدت زکام نای حرف زدن نداشت، اعتراض می‌کرد که برای تهیه سوخت و جمع‌آوری چوب و بوته خشک از صحرای دجارجام شده و دو بچه خردسالش بسینه پهلودچار شده اند و دهکده اش را سایر قریه‌های اطراف تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری فاقد هرگونه دوا و دکتر و درمان هست و تازه در چنین شرایطی هم میبایست پاورزن و بچه همسایه‌ی مجاور خود هم که در همان زمستان فوت نموده بود، باشد تا از گرسنگی از بین نروند"

دورفع مشکلات مالی ما را یاری کنید
نشریه "ستاره سرخ" طی چهار سال فعالیت خود تنها و تنها با تکیه به نیروی خلاق و لایزال توده عاوانسته به مبارزه انقلابی خود ادامه دهد. با ستکین تر شدن وظایف انقلابی و فرخنده تر شدن مبارزه طبقاتی در میهن ما بر هر خواننده انقلابی است که ما را در خدمت به وظایف انقلابی یاری رسانند. بخصوص تاکید ما در این زمان برای رساندن کمک مالی هرچه بیشتر است. چه با توسعه جنبش‌ها و یاری وظایف پیشه مالی هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد. از خوانندگان انقلابی خود می‌خواهیم که از این پس بمنظور جلوگیری از اشکالات تکنیکی کمک‌های مالی خود را تنها به آدرس بانکی ما ارسال دارند.

آدرس بانکی ما
Laura Hegel
Banca Popolare
Svizzera
414. 595. 2793
LUGANO-SUISSE
نشانی
توده و ستاره سرخ
Mme PAOLA DI CORI
C.P. 493 S.SILVESTRO
ROMA
ITALY

تلاش دارد نفوذ خود را در منطقه گسترش داده و جف امیرالیسم آمریکا را بگیرد و تمام جوارو جنگلهای رژیم در مورد "غیر امنی کردن منطقه" و ایجاد صلح و آرامش در آن "در این جارو قابل درک است. هدف تولید دیگر رژیم از تقویت ارزش ارتجاعی خود، تلاش در سرکوب جنبش خلقهای ایران و منطقه است. تجاوز بی - شرمانه اخیر ارتش شاه به منطقه طفار نمونه‌ای از این نقش ضد انقلابی او در منطقه است. ولی این کوششهای شاه و ابرقدرتها محکوم به شکست است. جواب دندان شکن خلق طفار به تجاوز ارتش پوتالی شاه نمونه ایست عالی برای کلیه خلقهای منطقه که با گسترش مبارزات انقلابی خود آرزوهای امیرالیسم آمریکا، سوسیال - امیرالیسم شوروی، شاه خائن و کلیه مرتجعین و رویزونیستهای منطقه را مطمئناً بکفر خواهند فرستاد.

گذشته از خیانت‌های بر شمرده در بالا باید اضافه نمود که علیرغم کارزار تبلیغاتی رژیم ارزش واقعی "دلارهای نفتی" تحت تاثیر عوامل مختلف خیلی پائین تر از مبلغ اسمی آنست زیرا در سالهای اخیر سهمیه افزایش قیمت نفت، ارزش دلار چندین بار پائین آمده و از طرف دیگر تورم پولی در کشورهای امیرالیستی موجب گران شدن سرسام آور کالاهای امیرالیستی گشته است کالا هایی که بخشی از افزایش درآمد نفت صرف خرید آنها میگردد. آن بخش از درآمد نفتی نیز که در داخل کشور بکار افتاده در واقع در خدمت بازهم باز تر کردن دست امیرالیستها بوده و در سرمایه گدا - ریهای مشترک با انحصارات امیرالیستی آمریکا و اروپائی، ژاپنی و حتی سوسیال - امیرالیستها بکار افتاده است و هدفی جز تامین سود بیشتر برای آنها و فریه تر نمودن سرمایه داران بوروکرات و وابسته امیرالیسم نداشته است و آنچه برای خلقهای میهن ما بویژه زحمتکشان به "ارمغان" آورده تنها تشدید ستم استثمار و فقر بوده است و حتی اقشار و طبقات متوسط را نیز با مشکلات عدیده‌ی مالی، ورشکستگی و ناپسامانی اقتصادی روبرو ساخته است.

سر نوشت این رژیم با امیرالیسم جهانی عجیب است و به خاطر حفظ و ادامه ی زندگی کثیف خود به خیانت‌های بیشتر از این هم ادامه خواهد داد. نه جنگ زگری "آن با امیرالیسم و نه تبلیغات عوام فریبانه اش در مورد باصلاح سیاست مستقل و ملی میتوانند خلق های ایران را فریب دهند.

رژیم حتی در مقابل سوسیال - امیرالیسم شوروی هم که چند ماهی بر سر قیمت گاز به "بگو مو" مشغول بود بالاخره زانو بر زمین زد و بر روی قیمت گاز (هر هزار فوت مکعب معادل ۵۸ سنت یعنی تقریباً سه برابر کمتر از قیمت بین المللی) با او سازش نمود و خیانت دیگری بر هزاران خیانتضد ملی قلی خود افزوده و غارت بخش دیگری از منابع ثروت ما را از جانب این امیرالیسم نوحاسته برای مدت باز هم بیشتری تضمین نمود. در این شرایط واقعی دیگر نیز در حال رشد است و آن اوضاع خوب در سطح جهانی بسود انقلاب است.

علیرغم کلیه این تلاشها سیستم امیرالیستی جهانی هر روز ضعیف تر شده و تضاد های درونی آن تشدید تر می‌گردد. امیرالیسم آمریکا دوران افول خود را می‌نماید ماهیت امیرالیسم نوحاسته شوروی و توطئه های آن در برابر خلقها هر روز بیشتر و بیشتر روشنتر میگردد. پرولتاریا و خلقهای جهان سوم بیش از پیش ضرورت انقلاب را درک نموده و در این سمت به پا میخیزند، در میهن ما نیز در نتیجه ی خیانتهای رژیم - اقشار و طبقات مختلف خلق بخصوص کارگران و دهقانان هر روز بیشتر و بیشتر ماهیت وابسته و ضد خلقی آن بی میبرند و مقاومت و مبارزه ی خود را در سطوح مختلف گسترش میدهند. این اوضاع مناسب بدون شرکت و نقش آگاه سازمانها و تشکل های انقلابی و م - لایمی نمیتواند بخودی خود در سمت انقلاب حرکت نماید. پرولتاریای ایران هنوز حزب طراز نوین خود را ایجاد ننموده است و لزوم وحدت مارکسیست - لنینیستها و کوشش پیگیری روز مره ی آنان در سمت پیوند با جنبشهای توده ای هر روز بیشتر بچشم میخورد. جنبش نوین کمونیستی ایران در جهت انجام این وظایف و از این طریق بسیج توده های خلق بخاطر انجام انقلاب، سرنگونی قهر آمیز طبقات حاکم بسرگردگی رژیم شاه و بدست آوردن قدرتیسیاسی قاطعانه حرکت میکند. مسلماً سنگ بزرگی که رژیم مغفورشاه با خیانتهای جدیدش بلند کرده بر پای خودش خواهد افتاد.

بقیه شاه عالم امیرالیسم بانکهای اروپائی خواهد ماند و از آن طریق امیرالیسم آمریکا آنانرا تحت فشار و تهدید قرار میدهد. با قرار داد های جدید رژیم شاه و افزایش مقدار دلار امریکائی در بازار اروپا بر مشکلات امیرالیستیهای اروپائی و امکان نات فشار آمریکا در آینده افزوده خواهد گشت.

اقدام دیگر شاه در خدمت به امیرالیسم و برگرداندن دلارهای نفتی، خرید اسلحه است. در دو سال اخیر رژیم شاه چندین میلیارد دلار اسلحه از امیرالیستیهای گوناگون بخصوص امیرالیسم آمریکا خریداری نموده است. فروش اسلحه از سود آورترین بخشهای اقتصادی برای امیرالیستهاست. از این طریق امیرالیستها نه تنها به غارت ثروت ملی کشورهای تحت ستم می پردازند بلکه پیوسته تلاش دارند تا از بکار افتادن سرمایه ی ملی آنها در زمینه های تولیدی جلو گیری نموده و آنها را کماکان در عقب ماندگی و وابستگی بخود نگاه دارند. بخصوص در موارد بحرانی و تورم که همراه با گرانی قیمتها و پائین آمدن قدرت خرید در داخل کشورهای امیرالیستی است سیستم اقتصاد سرمایه داری با مشکلات بزرگ بازار فروش و حفظ میزان سود از طرفی و لزوم جلو گیری از رشد مبارزه ی طبقاتی که نتیجه تشدید تضاد های درونی است از سوی دیگر روبرو میگردد. بخصوص در اوضاع کنونی که پس از پیروزی خلق و بنام صنایع جنگی آمریکا با بحران شدید روبرو بودند شاه خائن به خوشحمتی خود در این زمینه نیز ادامه داد. طبق گزارش خبرگزاری های غربی حد - اقل ۳۰۰ میلیارد دلار اسلحه میشود و هنوز یکسال از خرید سه میلیارد دلار اسلحه از آمریکا و میلیونها دلار ساز و برگ مدرن نظامی از کشورهای امیرالیستی اروپا (بخصوص انگلستان، ایتالیا، فرانسه) تعبیر کرد که صحبت از یک خیانت بزرگتر در میان است. طبق اطلاعات مطبوعات غربی در سفر آینده ی وزیر امور خارجه ی آمریکا کسینجر به ایران یک قرارداد جدید میان ایران و آمریکا منعقد خواهد شد که مربوط به خرید اسلحه و ایجاد و ساختمان سایر موسسات مربوط به امور نظامی خواهد بود. حجم پولی این قرارداد بیش از ۱۰ میلیارد دلار خواهد بود. جزئیات این قرارداد از طریق یک کمیته مختلط که هنگام اقامت کسینجر در تهران تشکیل میشود روشن خواهد گشت. گفته میشود این قرارداد "مساله ی ظریفی است که بیناگون از نظر استراتژیک با آن اهمیت خاصی قائل است." با توجه باینکه بخشی از این قرارداد مربوط به خرید هواپیما های جنگی جدید و ایجاد یک سیستم مخابراتی و ارتباطی از طریق یک ماهواره صنعتی است، اهمیت آن در سطح منطقه ای بیشتر احساس میشود. بنا بر این ۱۰ میلیارد دلار از ثروت کشور هم با این طریق صرف خدمت با امیرالیسم اسلحه و کشتن های جنگی، تانک، هلیکوپتر و تاسیس موسسات نظامی دیگری نیز در سال گذشته با کشورهای امیرالیستی دیگر منعقد گشته است.

خرید میلیارد ها دلار اسلحه با پول و ثروت خلق های میهن ما، علاوه بر هدف اقتصادی، دارای اهداف مهم سیاسی نیز میباشد. در اوضاع کنونی اهمیت کلیدی منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در جارو رهاست و ابر قدرت برای بدست آوردن یا حفظ مناطق نفوذ و کسب سرگردگی، بر کسی پوشیده نیست در این رابطه رژیم خائن شاه نقش مهمترین پایگاه امیرالیسم آمریکا را در منطقه ی خلیج فارس و اقیانوس هند بازی میکند و حافظ منافع این ابر قدرت در مقابل ابر قدرت دیگرست. در واقع سوسیال - امیرالیسم شوروی با شکل گوناگون

خصوصاً با چین و با رفیق مائوتسه دون همز انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش میکنند، دفاع نموده و هرگونه توطئه ضد چین توده های ایران جنبش کنونی افشا و لغو نماید. ۲۵ سال حیات پر افتخار انقلاب در چین بدست آورد های عظیم این انقلاب تجارب غنی حزب کیسیر کمونیست چین اندیشه تابناک مائوتسه دون همه و همگی گنجینه انقلابی گرانبهای است برای جنبش کمونیستی بین المللی. دفاع از این گنجینه انقلابی تعلق در ستاره های آن با شرایط ویژه ملی وظیفه ای است خطیر در مقابل کلیه کمونیست های وفادار. زنده باد ۲۵مین سالگرد پیروزی انقلاب در چین زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون

بقیه زنده باد چین . . . پیوسته است. در اتحاد جماهیر شوروی مدتی پس از مرگ استالین رهبری رویزونیستی دارودسته خرونجف مرتد روی کار آمد. آنها با نفی مارکسیسم لنینیسم در کلیه زمینه ها و بعد از دو سال دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری بورژوازی جدیدی را مستقر گرداندند و سرمایه داری را در شوروی احیا نمودند و بدین ترتیب زادگاه لنین و استالین تحت رهبری این مرتدان ضد انقلابی رفته رفته بیخ ابر قدرت سوسیال - امیرالیستی تبدیل شد و رویزونیسم مدرن بر اغلب احزاب کمونیستی و کمونوهای سوسیالیستی نیز حاکم گشت. این واقعه اسفناک برای جنبش پرولتاری جهان و نیز برای کلیه خلقهای زیر ستم، مسائل بفرنجی در مورد ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا مطرح نمود. حزب کمونیست چین و در رأس آن رفیق مائوتسه دون و حزب کار آلبانی رهبری رفیق انور خوجه از اولیین احزاب کمونیستی بودند که با برافراشته نگه داشتن پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم استوارانه در مقابل این یورش ضد انقلابی ایستادند و مبارزه ای قاطع و وسیع علیه رویزونیسم مدرن آغاز نمودند.

حزب کمونیست چین تحت رهبری دهامیان رفیق مائوتسه دون با جمع بندی از تجارب بین المللی دیکتاتوری پرولتاریا و با تکامل مارکسیسم - لنینیسم در مورد ماهیت تضاد های طبقاتی در جامعه سوسیالیستی راه حل عملی این تضادها را تعیین مینماید و از طریق بسیج توده های کارگر و دهقان و روشنفکران انقلابی در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی ادامه انقلاب در رویان و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا را در حین تضمین میکند. تجارب حزب کمونیست چین در طول انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی دست آورد های گرانبهایست برای جنبش بین المللی کمونیستی. خلق چین در بر تو این انقلاب و بر اساس آموزش های رفیق مائوتسه دون و تحت رهبری حزب کمونیست قادر گشت با اتکا به نیروی خود میهن سوسیالیستی اش را بصورت نمونه ای از شکوفائی و سعادت برای توده های زحمتکش و با بگاهی مطمئن برای انقلاب جهانی در آورد.

ایجاد کمون های کشاورزی در چین توده ای برای حل مسائل کشاورزی و دهقانان در دوران ساختمان سوسیالیسم و پیشرفت های شگرف در سایر شئون صنایع تکنولوژی فرهنگ نظامی . . . تحت رهبری طبقه کارگر به جهانبیان نشان میدهد چگونه خلق کشوری فقیر و عقب نگه داشته شده چون چین قبل از انقلاب قادر میگردد بعد از آزادی و گام گذاری بسوی سوسیالیسم با اتکا به نیروی خود بیک باره قدرت عظیمی را آزاد نموده و بکار اندازد و تا جلواتفا ده ترین سطح تمدن و علم رشد نموده و دژی مستحکم از اراده انقلابی پرولتاریا بنا نماید.

اکنون در شرایطی که امیرالیسم و سوسیال - امیرالیسم مذبحخانه سعی دارند از طریق توطئه چینی سیاسی محاصره اقتصادی و نظامی سوسیالیسم را در این کشور خفه کنند. چین سرخ علاوه بر کوشش همیشگی در تحکیم مواضع و دست آورد های پرولتاریا، دفاع از آنها در برابر تجاوزات و مبارزه قاطع علیه هرگونه انحراف و خیانت در داخل در سطح بین المللی نیز میکند از طریق دفاعی قید و شرط از مبارزات انقلابی از مارکسیسم - لنینیسم و از طریق ایجاد جبهه های وسیع علیه امیرالیسم و سوسیال - امیرالیسم و نیز از طریق بهره برداری از تضاد های درون دشمن قاطعانه علیه هژمونی گرائی و توطئه چینی دوا بر قدرت امیرالیستی مبارزه نماید و در این بیکار نوین تاریخسی عمرهاسایر خلقهای جهان پیروزیهای بزرگی کسب نموده است امروز دفاع از چین سرخ بعنوان پایگاه سوسیالیسم و انقلاب جهانی وظیفه همه کمونیست های صادق است و معیاری است برای تشخیص مارکسیست لنینیستها از رویزونیستها و ترسکیست های خائن.

این مقوله بخصوص برای جنبش نوین کمونیستی ایران که وحدت بین مارکسیست لنینیستها را در دستور روز دارد و هر روز در راه تحقق آن جلو میبرد حائز اهمیت است. جنبش نوین کمونیستی ایران برای پاسخ به وظایف جاری میبایست نه تنها در سطح ملی قاطعانه از اصول مارکسیسم لنینیسم آندیشه مائوتسه دون در مقابل رویزونیسم مدرن دفاع همه جانبه نماید بلکه در سطح بین المللی نیز باید از جنبش انقلابی، از اندیشه مائوتسه دون در مقابل حملات رویزونیستها و ترسکیست های وطنی که از

زنده باد چین توده ای پایگاه سرخ انقلاب جهانی!

درباره جنبش روشنفکران

جنبش روشنفکران ایران علیم فشار فاشیستی رژیم شاه در حال رشد و گسترش است و روشنفکران انقلابی به پیش از پیش به مبارزه قاطع تری علیه دشمنان خلق میپردازند.

امروز روشنفکران بیشتری در می یابند که می باید مجدداً به پیکار آشتی ناپذیری با دشمنان خلق تا پیروزی کامل ادامه داد. امروز بیش از پیش دانشجویان انقلابی ایران دانشگاه ها را به صحنه نبرد علیه طبقات حاکم بدل ساخته اند. امروز بیش از پیش روشنفکران انقلابی در زمینه قلم به نبرد با ارتجاع ادامه می دهند. امروز بیش از پیش روحانیون شرقی به مبارزه بی امان با رژیم برخاسته اند و روشنفکران انقلابی چریک در چند سال گذشته چه در صحنه ی نبرد مسلحانه و چه در ادگاه های شه ساخته حمله ای از وفا داری به آرمانهای خلق و پایداری و مقاومت آفریده اند.

جنبش روشنفکران ایران تاریخچه ای پر افتخار در پشت سر دارد. روشنفکران انقلابی میهن ما همواره در صف مقدم جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران قرار داشته اند، از خود شایستگی فراوان نشان داده و در این راه قربانیان فراوانی داده اند. خاطره ملک المتکلمین ها، حیدر عمو اولی ها، ارانی ها، فاطمی ها، روزبه ها، احمد زاده ها، بدیع زادگان، ها، گسرخ ها و صدها روشنفکر انقلابی دیگر که در راه آرمانهای خلق شهید گردیدند برای همیشه جاودان است. روشنفکران انقلابی ایران در انقلاب مشروطیت پیشناز بودند. در این انقلاب، روشنفکران زود تر از دیگران آگاهی یافتند و توانستند دیگر اقشار و طبقات خلقی را علیه استبداد حاکم برانگیزند. در مبارزات پس از شهریور ۱۳۲۰ و مبارزات بعد از کودتای ننگین و خائنه ۲۸ مرداد نیز نقش ارزنده روشنفکران انقلابی در بسیج و تشکل و مبارزه علیه رژیم شاه اهمیت فراوانی داشت. از آغاز دهه ۱۳۴۰ تا حال نیز جنبش روشنفکران همچنان قهرمانانه به مبارزه ادامه داده و روشنفکران انقلابی ایران پرچم پر افتخار مبارزه را با وجود تمام دشواریهای رژیم شاه و ترور و اختناق حاکم بر ایران از دست نهد و آنرا با فداکاری فراوان و دادن دهها شهید و هزاران زندانی هم چنان برافراشته نگهداشته اند و این مبارزات و قهرمانی ها جزئی از صفحات درخشان تاریخ خلقهای ایران هستند. اما با تمام این دلاریها، جنبش روشنفکران ایران بدور از کمبود نبوده است. کمبود اساسی جنبش روشنفکران ایران در این بوده که این جنبش نتوانسته است با جنبش کارگران و دهقانان جوش خورده و در آمیزد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ جنبش روشنفکران بعلمت تحت نفوذ حزب توده و سازمانهای سیاسی بورژوازی ملی بودند، نتوانست سمت در آمیزی با کارگران و دهقانان را یافته و در خدمت جنبش کارگران و دهقانان قرار گیرد. در حال حاضر با اینکه ضرورت در آمیزی روشنفکران با کارگران و دهقانان بیشتر درک گردیده و در عمل نیز گام هایی از جانب عده ای از روشنفکران برداشته شده است، اما هنوز این کمبود بزرگ در جنبش روشنفکران ایران کماکان چشم میخورد. بدیهی است که بدون وجود حزب کمونیست نمی تواند از تحقق کامل این در آمیزی صحبتی در میان باشد اما اگر تحت این عنوان و یا هر دلیل دیگری کوشش در نفس برداشتن گامهای ضروری امروزی کرد، در نتیجه بر جنبش روشنفکران ایران باز آن سمت غالب خواهد شد که پس از شهریور ۱۳۲۰ غالب گردید و این نه تنها در خدمت جنبش کارگران و دهقانان نیست بلکه حتی در پیرویه ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر نیز کندی بوجود خواهد آورد. اگر روشنفکران در مبارزات خود حتی شعارهای عمومی سیاسی را نیز در دستور کار خود قرار دهند ولی با کارگران و دهقانان مخالفت ورزند و نخواهند با آنان در آمیزند باز هم نمی توان مدعی شد که قادرند به امر انقلاب خدمت کنند، چه تنها با جنبش روشنفکران و تنها با تکیه به روشنفکران نمیتوان بر دشمنان غدار خلقهای ایران پیروز شد زیرا که روشنفکران نه رسالت تاریخی رهبری، هدایت و بسیر

انجام رسانیدن انقلاب را دارند و نه نیروی عمده را تشکیل میدهند. بدون بسیج و تشکل کارگران و دهقانان صحبت از امکان پیروزی انقلاب نمودن ذهنی گری سفیهانه ای بیش نیست. روشنفکران اگر صمم هستند به امر انقلاب خدمت کنند، می باید هر چه زودتر با توجه به این امر که "در تحلیل نهائی خط فاصل بین روشنفکران انقلابی با غیر انقلابی یا ضد انقلابی اینستکه آیا آنها مایلند با توده های کارگران و دهقانان در آمیزند و آیا بدان عمل میکنند یا نه" (ماوتسه دون)، در راه تربیت خود در مکتب انقلابی پرولتاریا و در راه در آمیختن با کارگران و دهقانان گام بردارند. بدون قبول ضرورت این امر و عمل بدان، ذهنی گری، فردگرایی و ناپایداری در مبارزه، از جمله خصیصتهای مشخص و طبیعی است که در روشنفکران بروز کرده و یا رشد خواهد کرد. روشن فکران اگر صمم اند به امر انقلاب خدمت کنند و وظیفه خود را در راه خدمت به امر سرنگونی طبقات حاکم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق انجام دهند راهی جز در آمیختن با کارگران و دهقانان ندارند. به امر انقلاب و اساساً کارگران و دهقانان قرار گرفت و بسا دشمنان انقلاب مرز بندی دقیق نمود.

رژیم دست نشانده شاه از آنجهت که روشنفکران انقلابی ایران سر سخنان مبارزه کرده و روز بروز مساعی خود در مبارزه علیه طبقات حاکم میافزایند تلاش فراوان دارد که جنبش روشنفکران ایران را سرکوب کند و میکوشد که با استفاده از دو تاکتیک "نازیاته" و "نان قندی" از پیوستن روشنفکران بصوف مبارزه جلوگیری کند. اما اکثریت عظیم و توده های عمده روشنفکران کشور ما که تحت ستم امپریالیسم، بورژوازی کیرا دور و بوروکرات و همچنین ملاکان قرار دارند و ستم سیاسی، اقتصادی ملی و فرهنگی را بر شانه های خود احساس میکنند هرگز مرعوب نشده و فریب عده های پول و مقام را از رژیم نخورده و روز بروز بیشتر به صفوف مبارزه می پیوندند.

کمیته مرکزی حزب توده، این خائنین به پرولتاریا و خلقهای ایران نیز بدان علت که روشنفکران انقلابی به مبارزه بی امان و آشتی ناپذیر با طبقات حاکم و امپریالیسم ادامه داده و ابعاد این مبارزه هر روز وسیعتر میگردد و بعلمت خط کشی قاطع اکثریت روشن فکران انقلابی، کینه شدیدی داشته و توطئه میچینند تا جنبش روشنفکران را منحرف گردانند. این داور دسته از آنجهت که می بیند، روشنفکران ایران روز بروز تحت تاثیر جنبش مارکسیستی-لنینیستی آگاه تر و متشکل تر میگردد، به دشمنی بیشتر با روشنفکران انقلابی و جنبش روشنفکران پرداخته و تلاش میکند که با استفاده از شیوه های گوناگون در عده ای تزلزل بوجود آورد، تا از این طریق زمینه را برای نفوذ خود در جنبش و بانحرافی کشیدن آن آماده گرداند. این داور دسته ضد خلقی تلاش فراوان میکند که از موضع گیری قاطع تر و دقیق تر جنبش روشنفکران علیه سوسیال-امپریالیسم شوروی جلوگیری کند. هدف این داور دسته مترجم آنست که با مشوش کردن اذهان جنبش خلق و همچنین جنبش روشنفکران را در خدمت سوسیال-امپریالیسم در آورد و ایران را به نیمه مستعمره سوسیال-امپریالیسم تبدیل کند. این آبرویا ختگان که آزوی حاکمیت سوسیال امپریالیسم شوروی را بر ایران در سر میبروراند تلاش فراوان دارند که با ماسک جدیدی بر چهره و تغییر لحن مصلحتی نسبت به رژیم خائن شاه برای خود وجهه سیاسی کسب کرده و به عده ای بقولاند که گویا میتوان با تکیه به شوروی به مبارزه علیه امپریالیسم امریکا برخاست تا با سوء استفاده از احساسات ملی و ضد امپریالیستی توده ها و نا آگاهی بخشی از روشنفکران انقلابی از ماهیت ارتجاعی رویزونیستها، زمینه را برای رخنه خود در جنبش روشنفکران هموار ساخته و آنرا در خدمت مقاصد ارتجاعی خود در آورند. اما همانگونه که آنها در پیرو نتوانستند جنبش روشنفکران را به در بزرگی از رژیم شاه - که بسیار هم تبلیغ میکردند - وادارند، امروز نیز مسلماً نخواهند توانست با سیاهی رنگ کرده جدید به هدف پلید خود دست یابند.

رژیم شاه و داور دسته کمیته مرکزی تنها در رابطه با

جنبش روشنفکران در درون کشور نیست که توطئه می چینند. آنها هر آنچه را که بر شمردیم در مورد خارج از کشور نیز بکار میبرند.

رژیم دست نشانده می کوشد از طریق تشدید فشار و سرکوب و عده و عود از پیوستن روشنفکران بسازمانهای سیاسی و دانشجویی در خارج از کشور جلوگیری کند.

د اورد دسته کمیته مرکزی حزب توده نیز با توجه با کمالات خود تلاش دارد از طریق تبلیغ رویزونیسم و سازش طبقاتی حمله بسازمانهای مارکسیست-لنینیستی و دانشجویی ایجاد بدینوسیله و نفاق ایجاد سازمانهای ارتجاعی "روشنفکری وابسته بخود" . از پیوستن روشنفکران بسازمانهای مارکسیست-لنینیستی و دانشجویی جلوگیری و آنها را با جلب بخود رخنه سیاست سوسیال-امپریالیسم شوروی در آورد.

این امری طبیعی است که مترجمین در جلوی جنبش خلق سنگ می اندازند، علیه آن توطئه میچینند و تلاش دارند که آنرا متلاشی کرده و یا جهت آنرا منحرف گردانند. تنها راه عقیم گذاردن توطئه های این د و پیارزه قاطع علیه آنها، افشای همه جانبه آنها، دقیق تر کردن مرز بندی با آنها، آگاه و بسیج و متشکل نمودن توده های باز هم بیشتری برای مبارزه آشتی ناپذیر با آنان است.

بدون اتحاد با دوستان حقیقی خلق و بدون مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر با دشمنان واقعی خلق نمیتوان از خدمت با انقلاب سخن بیان آورد. خط "میانه ای" در این مورد وجود ندارد و هر روشنفکری که بخواهد "خط میانه" را برگزیند، یعنی نخواهد با خلق و اساساً کارگران و دهقانان در آمیزد و در قبالت بخشی از دشمنان خلق تزلزل نشان دهد، در عمل به ضد انقلاب خدمت کرده است. بنا بر این امروز دیگر امر خدمت جنبش روشنفکران ایران به جنبش رزنده کارگران و دهقانان و در آمیزی با کارگران و دهقانان و خط کشی قاطع تر با تکیه دشمنان خلقهای ایران به مسئله سیاسی روز برای این جنبش چه در داخل و چه در خارج از کشور تبدیل شده است هر آن روشنفکری که برای تحقق امر سرنگونی طبقات حاکم، حاضر نباشد سمت پیوند با کارگران و دهقانان را برگزیند در عمل بجز راه رفته و به امر پیروزی انقلاب ضرر خواهد زد و هر آن روشنفکری که نخواهد همراه با قرار دادن، لبه تیز حمله و مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم، علیه سوسیال امپریالیسم و داور دسته ضد خلقی کمیته مرکزی مبارزه کند، در عمل آب به آسیاب سوسیال امپریالیسم ریخته و از مبارزه قاطع علیه ارتجاع جلوگیری است. رژیم شاه، امپریالیسم، سوسیال-امپریالیسم و داور دسته کمیته مرکزی دشمنان خلقهای ایران هستند و هر گونه تلاش در کشاندن جنبش بجز پرچم یکی از اینها و یا تزلزل در قبالت این یا آن دشمن خلق، چیزی جز همدستی با ارتجاع و پشت کردن به منافع خلقهای ایران نیست.

جنبش روشنفکران ایران بدون روشنگری و مساعی مارکسیست-لنینیستها قادر به درک ضرورت این مهم و عمل بدان نخواهد بود. در این میان مارکسیست-لنینیستهای که در جنبش روشنفکران فعالیت می کنند وظیفه ای بس خطیر بعهده دارند. بر عهده این رفقا است که با کار توضیحی فراوان، پشتکار و فعالیت سمت پیوند با کارگران و دهقانان و مرز بندی دقیق تر با دشمنان خلق را بر جنبش روشنفکران غالب گردانند. بر عهده این رفقا است که توده های وسیع تر روشنفکران را به صفوف مبارزه ضد رژیم جلب نموده و صادق ترین پیگیر ترین و وفادارترین آنها را به دانش مارکسیستی-لنینیستی آگاه و معتقد نموده و به مبارزه متعزک و متشکل کمونیستی دعوت کنند. بر عهده این رفقا است که با برنامه و شعار متناسب و ضروری برای جنبش روشنفکران و سازمانهای توده ای روشنفکران با توجه به سطح رشد و امکانات و شرایط فعالیت آنها، آنها را از طریق انتخاب سمت پیوند با کارگران و دهقانان در خدمت بیشتر به امر انقلاب یعنی سرنگونی طبقات حاکم قطع کامل نفوذ امپریالیسم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق در آورند. بر عهده این رفقا است که به توده های باز هم وسیعتری از روشنفکران انقلابی ثابت کنند که سوسیال امپریالیسم شوروی از جمله دشمنان خلقهای ایران است و داور دسته ارتجاعی کمیته مرکزی حزب توده عامل اوست و دعوای کمیته مرکزی با رژیم شاه بخاطر حاکمیت سوسیال امپریالیسم شوروی بر ایران بسه جای امپریالیسم امریکا است و نشان دهند که با تکیه به یک



توده های وسیع را در پیکار برای دفاع از زندانیان میهن پرست متشکل کنیم